خبر

رئیس جمهور:

اجرای دقیق قانون مالیاتی مانع رانت و فساد می‌شود

رئیس جمهور در جلسه امور مالیاتی که با موضوع حکمرانی مبتنی بر داده و اطلاعات با تأکید بر اجرای دقیق و درست مواد ۱۶۹ و ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم، افزود: اگر بتوانیم با همراهی و همکاری و به اشتراک گذاشتن داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز سازمان امور مالیاتی، این مواد قانونی را درست و دقیق اجرا کنیم، دیگر شاهد تخلفات اقتصادی و رانت و فساد نخواهیم بود.

دکتر مسعود پزشکیان افزود: اگر داده‌ها و اطلاعاتی همچون کد ملی، کد شناسایی، کدپستی و داده‌های مالی و اقتصادی افراد به‌صورت دقیق و یکپارچه به سامانه سازمان امور مالیاتی ارائه و این اطلاعات تجمیع و به هم متصل شود، هرگونه اقدامی می‌تواند به‌راحتی قابل مشاهده، بررسی و رسیدگی باشد.

رئیس جمهور با ذکر این نکته که در دنیا سازمان‌های مالیاتی قوی‌ترین سیستم و مجموعه برای مقابله با تخلفات مالی شناخته می‌شوند، تصریح کرد: براساس ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم همه افراد باید اطلاعات مربوط به اموال، املاک و دارایی‌های خود را در سازمان امور مالیاتی ثبت و اعلام کنند و همه دستگاه‌های ذی‌ربط نیز باید با همکاری و همراهی در به اشتراک گذاشتن اطلاعات و داده‌های در اختیار خود برای جلوگیری از بروز تخلفات اعم از ساخت‌وسازهای غیرمجاز و اختلافات ملکی، ایجاد رانت‌ها، قاچاق و فساد همکاری کنند.

رئیس قوه قضاییه:

مساله شرکت‌های دولتی زیان‌ده نباید فراموش شود

رئیس قوه قضاییه روز گذشته در نشست شورای عالی قوه قضاییه، ضمن اشاره به ۲۶۰ شب میدانداری ملت مبعوث، اظهار کرد: بعثت ملت ما، یک معجزه و عنایت الهی بود. قریب به ۹ ماه است که مردم ما، این جان‌فدایان ایران اسلامی، بدون وقفه، میدانداری می‌کنند. قطعا و یقینا مقاومت، پایداری، جهاد تبیین و دشمن‌شناسی ملت ما، نشأت گرفته از نهضت مقدس فاطمی است. حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌اژه‌ای، افزود: همه ما کارگزاران و ایضاً نهادهای نظام در برابر ملت مبعوث، دارای تکلیف و وظیفه هستیم و حداقل‌ترین کار آن است که سخن این ملت بعثت‌یافته را بشنویم و به خواسته‌های بحق آنان جامه عمل بپوشانیم. ما موظفیم در راستای رفع مشکلات این مردم گرانقدر، جهد مضاعف کنیم و اجازه ندهیم که دشمنان و منافقان در صفوف مستحکم و به‌هم‌پیوسته ملت مبعوث نفوذ کنند و در انسجام آنها، خدشه ایجاد سازند. رئیس دستگاه قضا همچنین در ادامه نشست دیروز، دستورات مشخصی را خطاب به مقامات و مسئولان قضایی صادر کرد و در نخستین دستور، رئیس سازمان بازرسی کل کشور را موظف کرد تا هر چه سریع‌تر گزارش جامعی از وضعیت شرکت‌های دولتی و آن دسته از این شرکت‌ها که زیان‌ده هستند ارائه دهد. وی تاکید کرد: این مقوله نباید با گذر زمان به دست فراموشی سپرده شود و ضروری است با جدیت، تا انتها دنبال شود؛ همچنین مطلوب است که بخش‌هایی از این گزارش نیز به سمع و نظر مردم برسد.

ادامه شاهکار جنگ الکترونیک

روز گذشته باز هم برای دریادلان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی پر از خلق حماسه و اقتدار بود. روابط عمومی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دیروز اعلام کرد یک فروند پهپاد MQM-170 متعلق به ارتش متجاوز آمریکا، طی یک عملیات موفق جنگ الکترونیک، در جنوب جزیره قشم به‌صورت سالم بر زمین نشانده شد. گفتنی است این چهارمین پهپاد از این نوع است که به‌دست فرماندهی جنگ الکترونیک و پهپاد نیروی دریایی سپاه و هشتمین پهپادی است که توسط پدافند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در محدوده تنگه‌هرمز، به‌صورت سالم شکار شده است. همچنین در ادامه اعمال حاکمیت ایران بر تنگه‌هرمز، روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم روز گذشته اعلام کرد: دو فروند نفتکش که با هدایت مستقیم افسران آمریکایی و حمایت جنگنده‌های ارتش متجاوز و غارتگر آمریکا تلاش کردند از مسیر غیرقانونی جنوبی عبور کنند با اصابت به مین دریایی با چندین انفجار بسیار شدید، آسمان تنگه‌هرمز را برای ساعت‌ها روشن کردند.

۵ مقام ارشد دولت ترامپ شامل اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری، تاد بلانش دادستان کل، مارکو روبیو وزیر امور خارجه، پیت هگست وزیر جنگ و استیون میلر رئیس ستاد کارکنان کاخ سفید، به‌دلیل افزایش تهدیدهای امنیتی خانه‌های خود را ترک کرده و در پایگاه‌های نظامی اطراف واشنگتن مخفی شده‌اند

کابینه در پادگان





مهدی سیف‌تبریزی
گروه سیاسی

واشنگتن در روزهای اخیر صحنه یکی از کم‌سابقه‌ترین و در عین حال معنادارترین عقب‌نشینی‌های امنیتی در تاریخ معاصر ایالات متحده است؛ عقب‌نشینی که این بار نه در میدان‌های نبرد خاورمیانه، بلکه در قلب پایتخت آمریکا و در آدرس محل سکونت ارشدترین دولتمردان این کشور رقم خورده است. به گزارش شبکه خبری فاکس‌نیوز، پایگاه‌های نظامی اطراف واشنگتن دی‌سی به پناهگاهی برای برخی از قدرتمندترین مقام‌های دولت دونالد ترامپ تبدیل شده است. در تازه‌ترین تحول، اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، شامگاه یکشنبه در مصاحبه با این شبکه اعتراف کرد که به دلیل افزایش تهدیدهای امنیتی، همراه خانواده‌اش خانه شخصی خود در واشنگتن دی‌سی را ترک و به یک پایگاه نظامی نقل مکان کرده است.

منابع نزدیک به دولت آمریکا سطح تهدید علیه بسنت را «فراتر از مرحله پیشرفته» توصیف کرده‌اند. این کوچ اجباری اما محدود به یک نفر نیست؛ گزارش فاکس‌نیوز فاش می‌کند که تاد بلانش، دادستان کل آمریکا از ماه مارس در یک پایگاه نظامی زندگی می‌کند، مارکو روبیو و پیت هگست در پایگاه نظامی فورت مک‌نیر مستقر شده‌اند و استیون میلر، رئیس ستاد کاخ سفید نیز به مسکن نظامی منتقل شده است. هم‌زمان، نشریه عبری اسرائیل هیوم به نقل از مقام‌های ارشد اسرائیلی و آمریکایی مدعی شد سرویس اطلاعاتی موساد، درباره برنامه ایران برای هدف قرار دادن دونالد ترامپ و مقام‌های ارشد دولت او اطلاعاتی در اختیار سازمان سیا قرار داده و یک نهاد اطلاعاتی غربی دیگر نیز این یافته‌ها را تأیید کرده است.

کنار هم گذاشتن این خبرها، تصویری فراتر از یک تدبیر حفاظتی ساده را پیش‌روی ناظران می‌گذارد. هنگامی که ستون‌های اصلی قدرت در ایالات متحده از وزیر خزانه‌داری و دادستان کل گرفته تا چهره‌های کلیدی سیاست خارجی، دفاعی و کاخ سفید ناچار می‌شوند محله‌های امن و دیپلماتیک پایتخت خود را رها کنند و پشت دیوارهای بتنی و سیم‌های خاردار پادگان‌ها پناه بگیرند، جهان با یک واقعیت تازه روبه‌روست. این وضعیت، نشانه‌ای عریان از تحقیر امنیتی ابرقدرتی است که سال‌ها با اتکا به فاصله جغرافیایی و برتری تکنولوژیک، خود را مصون از هرگونه واکنش می‌پنداشت. امروز اما معادله دگرگون شده و «موازنه وحشت» که واشنگتن همواره می‌کوشید آن را در مرزهای دیگران تعریف کند، به قلب خاک آمریکا کشیده شده است.

تغییر موازنه وحشت

در دهه‌های گذشته، یکی از پایه‌های اصلی هژمونی ایالات‌متحده بر این فرض استوار بود که جنگ‌ها، تنش‌ها و اضطراب‌های امنیتی در هزاران کیلومتر دورتر از خاک آمریکا جریان دارند و تصمیم‌گیران واشنگتن در آرامش کامل پایتخت خود، برای سرنوشت ملت‌های دیگر نسخه می‌پیچند اما پناه بردن حلقه اول دولت ترامپ به پایگاه‌های نظامی، نشان می‌دهد این دوران به پایان رسیده است. قدرت بازدارندگی و دست برتر روانی ایران اکنون به مرحله‌ای رسیده که بدون آن‌که حتی گلوله‌ای در واشنگتن شلیک شود، صرف احتمال واکنش تهران توانسته سبک زندگی و جغرافیای سکونت قدرتمندترین چهره‌های آمریکا را دگرگون کند.

بررسی داده‌های رسمی و گزارش‌های رسانه‌های بین‌المللی عمق این هراس را به روشنی نشان می‌دهد. به نقل از منابع آمریکایی، شان کوران، رئیس سرویس مخفی ایالات متحده اخیرا فاش کرده که تهدیدها علیه مقام‌های تحت حفاظت این نهاد با جهشی بیش از ۴۰ درصدی به حدود ۱۰ هزار مورد رسیده است. در همین حال، گزارش اسرائیل هیوم که در رسانه‌های غربی بازتاب گسترده‌ای داشت، از وحشت جدی نهادهای امنیتی آمریکا نسبت به تهدیدهای نامتقارن، از جمله احتمال استفاده از پهپادهای انتحاری، پرده برداشته است؛ تهدیدی که بافت شهری واشنگتن توان مقابله با آن را ندارد.

در این میان، برخی خبرگزاری‌های بین‌المللی این تحولات را در چارچوب شکست محاسبات امنیتی واشنگتن تحلیل کرده‌اند. به شکلی که فاکس‌نیوز، پناه گرفتن مقام‌های ارشد دولت ترامپ در پادگان‌ها را نشانه‌ای آشکار از آسیب‌پذیری بی‌سابقه ساختار قدرت آمریکا دانسته و با اشاره به سکوت معنادار اسکات بسنت درباره جزئیات تهدیدها و همچنین زندگی طولانی‌مدت تاد بلانش در پایگاه نظامی، تأکید کرده است که ترس از اقدام تلافی‌جویانه تهران اکنون به کابوسی دائمی برای دولتمردان آمریکایی تبدیل شده است.

فروپاشی افسانه مصونیت

یکی از تلخ‌ترین وجوه این ماجرا برای واشنگتن، ضربه‌ای است که به اعتبار دستگاه اطلاعاتی و امنیتی ایالات متحده وارد شده است. آمریکا سال‌ها با تکیه بر شبکه‌ای عظیم از نهادها از سازمان سیا و اف‌بی‌آی گرفته تا آژانس امنیت ملی و سرویس مخفی مدعی در اختیار داشتن پیشرفته‌ترین و نفوذناپذیرترین ساختار اطلاعاتی جهان بوده است.

نکته قابل تأمل در گزارش‌های رسانه‌های غربی، از جمله وال‌استریت ژورنال و رویترز، این است که فقط افشای موقعیت مکانی خانه اسکات بسنت به تنهایی کافی بود تا دستگاه‌های امنیتی آمریکا دچار دستپاچگی شوند و دستور تخلیه فوری منزل او را صادر کنند. این میزان از شکنندگی، تناقض آشکاری با رجزخوانی‌های همیشگی مقام‌های آمریکایی دارد. اسکات بسنت که به‌عنوان وزیر خزانه‌داری، فرمانده جنگ اقتصادی و طراح تحریم‌ها علیه ایران شناخته می‌شود، در حالی از «کارآمدی فشارها» دم می‌زند که خود و خانواده‌اش جرات خوابیدن در خانه شخصی‌شان را ندارند.

این ضعف و اضطراب در سطح سیاسی نیز خود را نشان داده است. منابع آمریکایی و اسرائیلی در گفت‌وگو با اسرائیل هیوم اذعان کرده‌اند که همین هراس اطلاعاتی از برنامه‌های منتسب به ایران، بر ذهنیت و تصمیم‌گیری‌های دونالد ترامپ سایه انداخته و فضای دیپلماسی را در واشنگتن فلج کرده است. به بیان دیگر، قدرت ایران نه‌تنها لایه‌های حفاظتی آمریکا را به حالت تدافعی کامل واداشته، بلکه توانسته ابتکار عمل روانی را از دست کاخ سفید خارج کند. دستگاهی که ادعای رصد لحظه‌به‌لحظه جهان را دارد، اکنون خود در تله وحشت از تهدیدی نامرئی گرفتار شده و برای حفظ جان مدیران ارشدش، چاره‌ای جز پناه بردن به استحکامات نظامی نمی‌بیند.

بهای سنگین ترس برای ابرقدرت!

پناه گرفتن حلقه اول قدرت آمریکا در پایگاه‌هایی مانند فورت مک‌نیر که به طور سنتی محل استقرار فرماندهان ارشد ارتش بوده است در داخل ایالات متحده نیز به بحرانی حیثیتی و رسانه‌ای تبدیل شده است. گزارش‌های تحلیلی نشریاتی چون نیویورک تایمز، آتلانتیک و آکسیوس نشان می‌دهد هجوم مقام‌های غیرنظامی دولت به مسکن‌های نظامی، علاوه بر تحمیل هزینه‌های سنگین حفاظتی، پرسش‌هایی جدی درباره کارآمدی دولت در تأمین امنیت داخلی برانگیخته است. هنگامی که جهان می‌بیند وزیر خارجه، وزیر دفاع، وزیر خزانه‌داری، دادستان کل و رئیس ستاد کاخ سفید همگی از ترس واکنش یک قدرت منطقه‌ای، پشت دیوار پادگان‌ها سنگر گرفته‌اند، هیمنه پوشالی ابرقدرتی به شکل ملموسی فرو می‌ریزد.

آنچه امروز در اطراف واشنگتن دی‌سی می‌گذرد، ثبت یک نقطه عطف در تاریخ تقابل ایران و آمریکاست. واشنگتن که دهه‌ها تلاش کرد با تحریم، تهدید و عملیات‌های اطلاعاتی، سایه ناامنی را بر سر ایران نگه دارد، اکنون خود در پایتختش زیر سایه سنگین قدرت و بازدارندگی تهران نفس می‌کشد. این تحول، بدون هیچ‌گونه بزرگ‌نمایی، نشان می‌دهد موازنه وحشت دیگر یکطرفه نیست و تا زمانی که دولتمردان آمریکایی بر سیاست تقابل پافشاری کنند، پادگان‌های اطراف واشنگتن همچنان یادآور عجز و هراس ساختار امنیتی آنها در برابر قدرتی خواهد بود که نتوانستند آن را مهار کنند.

یادداشت

هادی محمدی | تحلیلگر مسائل سیاسی

تغییر دکترین دفاعی مطالبه‌ای برای بازدارندگی

کسب امنیت و آرامش در تمامی جوامع بشری، پایه‌ای مفهومی و عملی در نیازمندی‌های بشری است که بقیه پارامترهای اقتصاد و توسعه و انسجام اجتماعی را تضمین می‌کند. گاهی امنیت‌سازی را در تئوری‌های روابط بین‌المللی، از طریق ائتلاف‌سازی و پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه قابل تامین می‌دانند که امروز در تجربه عملی و با توجه به رفتار ابرقدرت‌های غربی، به سست‌ترین پدیده تبدیل شده و مقوله خرید امنیت از خارج با سوال جدی مواجه است. اگرچه ائتلاف‌سازی‌ها بخشی از نیازها و مزیت‌ها را ممکن است شکل دهد، ولی شکنندگی و فقدان تضمین در عرصه تامین امنیت در تمامی شرایط، از این طریق از جلوه‌های تجربه‌شده در عصر حاضر است.

لذا عمده اندیشه‌های امنیتی به استحکام‌بخشیدن به قدرت ملی تکیه دارند که در بخش‌های مختلف و شبکه‌وار باید به تولید امنیت و ثبات در یک کشور منتهی شود، ولی در بین سرفصل‌های قدرت ملی، قدرت نظامی بازدارنده و امروز در ترکیب آن با تکنولوژی‌های مختلف، سطوح جدیدی از بازدارندگی پایدار و امنیت و ثبات تعریف می‌شود.

با این‌که در اندیشه حاکمیت اسلامی، امنیت در سایه استراتژی‌های دفاعی تعریف می‌شود و سطحی از بازدارندگی را نیز تولید می‌کند ولی شاخص‌های تحولات جهانی و منطقه‌ای و نوع رویکرد و راهبردهای بازیگران مختلف، این اجبار را شکل می‌دهد که استراتژی‌های دفاعی در اشکال سنتی و کلاسیک یا بدون بهره‌مندی از یک تکامل تکنولوژیک، نمی‌تواند پاسخگوی سطوح تضمین‌شده و پایدار از امنیت و بازدارندگی باشد.

حلقه ارتقایافته استراتژی‌های دفاعی، گاه با رویکردهای پیش‌دستانه و گاه با خروج از پوسته دفاعی و ورود به مدار امنیت‌سازی با استراتژی هجومی تامین می‌شود.

کشورهای غربی برای تامین منافع و امنیت خود به این گزاره‌ها و مفاهیم و اندیشه‌های مطرح‌شده در نظریه‌های رئالیستی در روابط بین‌الملل متکی هستند. البته قدرت‌های غربی، این نظریه‌ها را عمدتا برای توجیه توسعه هژمونی و قدرت برتر خود به‌کار می‌گیرند و در مرز امنیت پایدار ملی و صلح متوقف نمی‌شوند و زیاده‌خواهی و نگاه چپاولگرایانه و توسعه‌طلبانه و دیکتاتوری و خود برتربینی در پشت مفاهیم رئالیستی پنهان شده و امنیت و آرامش و صلح پایدار را زمانی محقق شده می‌دانند که اهداف استعماری و هژمونیک خود را در دسترس بدانند. اتفاقا در مقابل این هرج‌ومرج جهانی و مسابقه قدرت و هژمونی‌سازی و چپاولگری امنیت و بازدارندگی، اهمیت و ابعاد و الزامات جدیدی پیدا می‌کند.

اگرچه ایران در اندیشه حکمرانی خویش و طبق مبانی فقهی و شرعی و دستورات ولی‌امر خود، تا به‌حال بر مسیر حرمت توانمندی‌های نظامی هسته‌ای حرکت کرده است ولی تجربه حمله وحشیانه و تجاوزگری ۱۹ ماه گذشته از سوی ترامپ و رژیم صهیونی که بر نابودی ایران و تمدنش و دارایی‌ها و انسان‌ها اصرار داشتند، باعث شده بخش قابل توجهی از مردم و نخبگان با اشاره به این خلأ ابزاری برای متوقف کردن هوسرانی قدرت و تجاوزگری آمریکا بر تجدیدنظر در دکترین هسته‌ای و دفاعی کشور اصرار داشته باشند.

اگرچه دشمنی استکبار جهانی با ایران یا دیگر ملت‌ها با این توانمندی نیز حذف نمی‌شود ولی سطحی از امنیت پایدار را تضمین و سایه جنگ دائمی را به کنار می‌زند. ترامپ هم اعتراف می‌کند که اگر ایرانی‌ها قدرت هسته‌ای بودند، باید آنها را «قربان» صدا می‌کرد و بدیهی است که رژیم‌صهیونی هم رویای استعماری اسرائیل بزرگ را با سرعت فراموش می‌کرد و جنایات ضدبشری، جنگی و نسل‌کشی‌های یک قرن اخیر در منطقه، متوقف می‌شد.

یادداشت

مجتبی دمیرچی‌لو | سفیر جمهوری اسلامی ایران در باکو

دالان اکو برای عبور از محدودیت‌های اقتصادی

سازمان همکاری اقتصادی (اکو) یکی از قدیمی‌ترین سازمان‌های منطقه‌ای بوده که ایران در ایجاد و گسترش آن نقش ویژه‌ای داشته است. اکو یکی از بسترهای مهم تحقق سیاست همسایگی، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و تقویت پیوندهای اقتصادی ایران با محیط پیرامونی خود به‌شمار می‌رود. از آنجایی‌که اکو مجموعه‌ای از کشورهای واقع در مناطق آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی، غرب آسیا و جنوب آسیا را دربرمی‌گیرد که ایران به‌دلیل موقعیت جغرافیایی خود در نقطه اتصال بخش مهمی از این حوزه‌ها قرار دارد؛ می‌تواند شرایط مساعدی برای ایران فراهم کند که از موقعیت جغرافیایی خود برای خلق مزایای اقتصادی و ترانزیتی استفاده کند. همچنین اکو فرصتی برای همکاری و پیگیری منافع مشترک کشورهای منطقه در چارچوبی چندجانبه فراهم می‌کند. این ویژگی در شرایطی که منطقه با تنش‌های سیاسی، رقابت‌های ژئوپلیتیکی و مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای مواجه است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در مجموع، اکو می‌تواند به یکی از ابزارهای تبدیل همسایگی جغرافیایی به همگرایی اقتصادی و استفاده از ظرفیت‌های پراکنده منطقه به منافع مشترک مبدل شود. همچنین درخصوص ظرفیت‌های این سازمان برای کمک به ایران در عبور از شرایط فعلی، معتقدم عامل همسایگی و روابط با همسایگان و به‌طور خاص سازمان همکاری اقتصادی (اکو) خیلی مهم است و نه فقط باید در شرایط کنونی و از منظر رفع موانع و مشکلات ناشی از تبعات جنگ تحمیلی و ظالمانه آمریکا و رژیم صهیونیستی بر علیه کشورمان به آن نگریست بلکه باید به‌عنوان عامل ثبات در روابط خارجی ایران مدنظر باشد و جدا از نیازها و شرایط مقطعی، همواره برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های منطقه‌ای و تبدیل آنها به عامل همبستگی، همکاری و تامین منافع متقابل تلاش کرد. از این منظر اکو می‌تواند به تنوع‌بخشی به شرکای تجاری، توسعه مسیرهای مبادلاتی، تقویت همکاری‌های بانکی و مالی و کاهش آسیب‌پذیری تجارت خارجی کمک کند. واقعیت این است که اکو به‌تنهایی نمی‌تواند مشکلات اقتصادی ایران یا محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها را حل کند اما می‌تواند در کنار دیگر ظرفیت‌ها مدنظر باشد تا بخشی از فشارهای ناشی از محدودیت‌های اقتصادی را از طریق گسترش همکاری‌های منطقه‌ای کاهش دهد و فرصت‌های جدیدی برای تجارت، سرمایه‌گذاری و ترانزیت ایجاد کند.

یادداشت

احمد میراحسان | نویسنده و پژوهشگر

ایران نه قدرت، ابرقدرت است

مایلم در دیباچه نوشته به رسم بزرگداشت با یاد آن اقیانوس عبودیت و قدرت و حکمت در کنجی نشسته، علامه طباطبایی(ره)، این کلمات را متبرک گردانم. واقعا جای بهت است که در میان ملت انواری چون امام خمینی و علامه‌طباطبایی، حضرت بهجت و امام شهید قدس‌الله سرهم بتابند و باز کسانی مدعی یاوری مردم بزرگ ایران و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، علائم بردگی و ضعف به شیطان بفرستند. دردناک‌تر آن‌که این پیام‌ها از سوی کسانی به اسم خدمتگزار و کارگزار و رئیس و مشاور و معاون مقامات فرستاده شود و ایران را یک‌لاقبا بخواند. چرا می‌گویم با وجود علامه؟ برخلاف اوهام جهلا، مفسر قرآن و صاحب المیزان نه تنها، هیچ زاویه با حقیقت انقلاب اسلامی و امام خمینی(ره) ندارد بلکه المیزان سند و مبنای معارف قرآنی ضروری برای پیروزی آرمان‌های الهی انقلاب اسلامی را در خود نهفته دارد و با خرافه‌های ضدحکمرانی ایمانی و اسلامی در عصر انتظار می‌ستیزد و حتی جهاد اولیه را در غیبت امام معصوم به شرط ولایت و امامت و رهبری ولی‌فقیه ممکن می‌داند. چنین قدرت فقهی و شجاعت علمی در ستیز با استباطات اشتباه فقها، راهگشای انقلاب اسلامی در افق پیروزی جهان‌گستر آن است. آیت‌الله تحریری از اساتید درس‌آموخته و مأنوس با علامه و المیزان تصریح می‌کند که علامه علیه اتهامات ناجوانمردانه علیه امام قیام کرد و به پاکیزگی ساحت وجودی امام و عمل سیاسی او گواهی محکم داد.

در نتیجه یاوه‌گویی و استهزای ایران اسلامی و انقلابی با اتهامات دروغین و دشمن‌تراشی علیه آن عبث است و محور ستیز جهنمی با ولایت‌فقیه و سکولاریسم نمی‌شود و مسلم المیزان از جمله تفسیر آیه ۲۰۰ آل‌عمران کاملا و واضحا علیه این فهم‌های معوج است. هم المیزان گواه است و هم آیت‌الله تحریری گواهی می‌دهد که علامه عمیقا ولایت فقیه را در عصر غیبت ضروری و عقلی می‌دانست و اسلام را مکتبی که با حاکمیتش تجلی پیدا می‌کند، می‌دانست. علامه معتقد بود در غیبت امام عصر(عج) رهبران جامعه مسلمانان باید همان جامعیت و شاکله و جامعیت اهل‌بیت وحی را در قالب ولی‌فقیه داشته باشند.

دین اسلام در زمان غیبت هم باید اقامه شود. چطور و چه چیز در حکمرانی بدون حکومت ولی‌فقیه می‌تواند اقامه شود؟ از سوی دیگر حاصل عمر علامه بهترین شاگردان و عصاره‌های عمرش کنشگران رده اول انقلاب اسلامی و یاران مرتبه نخست انقلاب امام و امام کبیر(ره) بودند از شهید مطهری، حضرت آیت‌الله جوادی‌آملی، از استاد بزرگ حسن‌زاده‌آملی تا استاد مصباح، تا شهید بهشتی و حضرات خوشوقت و صانعی. درس بزرگ علامه برای انقلاب اسلامی جدا از گنجینه المیزان، الگوی بندگی و عقلانیت خود او و حکمت وجودی او بود: رهروان حقیقی انقلاب اسلامی از علامه بزرگوار، اخلاص، بهره از درگاه قرآن و اهل‌البیت علیهم‌السلام عبودیت و معارف باطنی قرآن و جامعیت و دید جامع به اسلام و تزکیه نفس را آموختند. هر رئیس و وزیر و وکیل و قاضی در جمهوری اسلامی بدون این ویژگی‌ها سقوط می‌کند و به دام شیطان بزرگ می‌افتد، خواه فردی ظریف باشد یا فردی روحانی، خواه از مهندسین باشد یا پزشکان. می‌خواهم به نمونه‌ای از سقط اشاره کنم که دچار نگاهی خصمانه به قدرت الهی جمهوری اسلامی و ایران مقاوم و شکوهمند است و متاسفانه در دولت جا دارد و ایران را به دروغ ضعیف و بیچاره و ناتوان می‌بینند. بگذارید اول نمونه‌وار به مشتی از خروار مدارک اعتراف به قدرت حقیقی ایران در اظهارات دشمنان ایران و سیاستمداران جمهوریخواه و دموکرات یا دانشمندان و اساتید دانشگاه و رسانه‌های معتبر آمریکا بپردازم و بعد به علل تفکر ذلت‌بار کسانی اشاره کنم که قرار است به رئیس‌جمهور محترم و علاقه‌مند به پیروزی و سربلندی و خوشبختی ایران مشاوره بدهند. به این اظهارات و نظرات دشمنان ایران درباره قدرت ایران در همین برهه ۱۰ روزه اخیر توجه کنید تا بعد بگویم این جست‌وجو و سنجش قصدش اثبات بلاهت چه دسته و گروه سیاسی خودباخته‌ای بوده است که از درون می‌کوشند مانع تبدیل ایران به قدرت منطقه‌ای شوند و طبق مدارک متقن و غیرقابل‌انکار دهه‌های متمادی انقلاب از آغاز علیه قدرتمندی کشور مانع رشد مستقل اقتصادی، نظامی، فرهنگی، سیاسی، علمی و تکنولوژیک شده و امکان عزت و قدرت ایران را استهزا کرده‌اند و برعکس از درون نظام سیاسی و علنی آمریکا واقعیت قدرت ایران انقلابی و خط ولایت‌فقیه درگذشته از آرای همیشگی جفری ساکس، مرشایمر، مورفی، چاک شومر، پیرس و... در ۱۰ روز اخیر مکررا چنین اعترافاتی منتشر شده است: رابرت پیت استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو اعلام کرد: نتیجه یک پژوهش آن است که ایران در مسیر تبدیل شدن به قدرت هژمون منطقه‌ای قرار گرفته است.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید